

ترجمہ

الْمُهَيِّدُ
فِي حُلُولِ مَرَاتِلِ الْقُرْآنِ

جلد ہفتم

تحریف ناپذیری قرآن

محمد ہادی معرفت

مترجم: علی نصیری

سرشناسه : معرفت ، محمد هادی ، ۱۳۰۹ - ۱۳۸۵ .
 عنوان قراردادی : التمهید فی علوم القرآن / فارسی
 عنوان و نام پدیدآورنده : ترجمه التمهید فی علوم القرآن / محمد هادی معرفت
 ترجمه علی نصیری
 مشخصات نشر : قم : تمهید ، ۱۳۹۲ .
 شابک : دوره : ۷ - ۴۸ - ۵۰۷۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸ - ۶ - ۴۵ - ۵۰۷۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : فهرست نویسی بر اساس جلد دوم ، ۱۳۹۰
 یادداشت : مترجم جلد سوم حسن خرقانی است .
 یادداشت : مترجم جلد چهارم میرزا علیزاده و مجتبی خطاط است .
 یادداشت : مترجم جلد ششم مجتبی خطاط و حامد معرفت است .
 یادداشت : ج ۳ (چاپ اول : ۱۳۹۲) (فیبا)
 یادداشت : ج ۴ و ۶ (چاپ اول : ۱۳۹۳) (فیبا)
 موضوع : قرآن -- علوم قرآنی
 شناسه افه ده : نصیری ، علی ، ۱۳۵۸ - مترجم
 رده بندی کتب : ۱۳۸۸ : ۸۰۴۱ ت ۶۷ م / ۵ / ۶۹ BP
 رده بندی یو بی سی : ۲۹۷ / ۱
 شماره کتباته ملی : ۱۸۴۸۸۰۰۰



مؤسسه فرهنگی «تمهید»

قم - همراه ۰۹۱۲۱۵۳۱۹۵۵

ترجمه التمهید فی علوم القرآن (ج ۸)

علامه آیت الله محمد هادی معرفت رحمته الله

مترجم : حجة السلام دکتر علی نصیری

چاپ اول (دوره ده جلدی) : ۱۰۰۰ نسخه / آذر ۱۳۹۶

چاپ : گل وردی - قم

قیمت (دوره ده جلدی) : ۱۹۵۰۰۰ تومان

همه حقوق محفوظ است .

مرکز پخش : قم ، پاساژ قدس ، انتشارات ذوی القربی ، تلفن : ۳۷۷۴۴۶۶۳ (۰۲۵) ، همراه : ۰۹۱۲۱۵۱۷۷۴۸

ISBN : 978-600-5079-40-6 (VolA)

ISBN : 978-600-5079-48-7 (Vol.SET)

فهرست مطالب

۹	مقدمه مؤلف
۱۱	مقدمه مترجم
۲۵	پیشگفتار
۳۱	فصل اول: تحریف در سنت و اصطلاح
۳۱	تحریف در نعت
۳۵	تحریف در اصطلاح
۳۹	قرآن و واژه تحریف
۴۱	پندار نسخ تلاوت
۵۲	مسأله انشاء (به فراموشی انداختن)
۵۵	فصل دوم: خلاصه دلایل بطلان شبهه تحریف
۵۵	۱. گواهی تاریخ
۵۷	۲. ضرورت تواتر قرآن
۵۹	۳. جنبه اعجاز
۶۲	۴. آیه حفظ
۶۹	۵. نفی باطل از قرآن
۷۱	۶. عرضه روایات بر قرآن
۷۳	۷. نصوص اهل بیت
۷۹	فصل سوم: تصریحات بزرگان شیعه
۸۰	۱. شیخ صدوق
۸۱	۲. شیخ مفید
۸۲	۳. سید مرتضی

۸۳	۴. شیخ طوسی
۸۴	۵. مرحوم طبرسی
۸۴	۶. علامه حلی
۸۵	۷. محقق اردبیلی
۸۵	۸. شیخ جعفر کاشف الغطاء
۸۸	۹. شیخ محمد حسین کاشف الغطاء
۸۹	۱۰. شیخ بهایی
۸۹	۱۱. فیض کاشانی
۹۱	۱۲. شیخ حر عاملی
۹۱	۱۳. محقق تبریزی
۹۲	۱۴. حجت باقری
۹۴	۱۵. محقق بغدادی
۹۴	۱۶. محقق کرکچی
۹۵	۱۷. سید شرف الدین عاملی
۹۶	۱۸. سید محسن امین
۹۷	۱۹. مرحوم علامه امینی
۹۸	۲۰. علامه طباطبائی
۹۹	۲۱. امام خمینی
۱۰۱	۲۲. آیت الله خویی

فصل چهارم: گواهی صاحب نظران اهل سنت به پیراستگی شیخ انصاری به تحریف .. ۱۰۳

۱۰۴	۱. ابوالحسن اشعری
۱۰۶	۲. رحمة الله هندی
۱۰۷	۳. دکتر محمد عبدالله دراز
۱۰۸	۴. استاد شیخ محمد محمد مدنی
۱۱۷	گزاره گویی خاور شناسان
۱۲۴	گرداندن گفتار بزرگان
۱۲۸	نقل حدیث نمی تواند نشانگر عقیده ناقل آن باشد
۱۳۰	نسبتی ناروا به مرحوم کلینی
۱۳۱	در کافی جایی برای شبهه نیست

فصل پنجم: روش اخباریان تندرو در سندهای اخیر	۱۳۳
سادگی فاجعه آمیز	۱۳۶
غوغایی که کتاب فصل الخطاب برپا کرد	۱۳۹
عقب نشینی یا در لافه سخن گفتن	۱۴۲
فصل ششم: تحریف در کتب عهدین	۱۴۵
مقصود از وقوع تحریف در کتب عهدین چیست؟	۱۴۵
تحریف در بشارت های تورات و انجیل	۱۴۸
تحریف با واژگون کردن لهجه	۱۵۲
تحریف در سه گانه پرستی	۱۵۳
نگاهی گذرا بر تاریخ عهدین	۱۵۶
عهد قدیم	۱۵۷
تورات منسوب به موسی	۱۵۹
آیا پس از این دوره به تورات واقعی دست یافتند؟	۱۶۰
پایان کار کتاب شریعت یهود	۱۶۲
فاجعه بخت نصر	۱۶۳
آیا تورات مجدداً پدیدار شد؟	۱۶۵
عزرا محتویات تورات را از کجا گرد آورد؟	۱۶۶
حادثه امپراطور انطوخیوس	۱۶۷
سلسله اسناد تورات بریده شده است	۱۶۸
داستان اناجیل ازبیه	۱۶۹
سرانجام انجیلی که بر مسیح نازل شد	۱۷۱
بررسی مسأله تشابه رخدادهای در گذشته و حال	۱۷۳
فصل هفتم: تحریف نزد فرقه حشویه عامه	۱۷۹
۱. آیه رجم	۱۸۱
۲. آیه رغبت	۱۸۳
۳. آیه جهاد	۱۸۳
۴. آیه فواش	۱۸۴
۵. قرآن ۱۰۲۷۰۰۰ حرف است	۱۸۵

۱۸۵	۶. بسیاری از آیات قرآن حذف شده است
۱۸۶	۷. قرآن با شهادت حاملان آن در روز یمامه، از بین رفته است
۱۸۶	۸. زیادی موجود در مصحف عایشه
۱۸۷	۹. آیه رضعات را حیوان خانگی خورده است
۱۸۸	۱۰. دو آیه از سوره بینه
۱۹۰	۱۱. دو آیه که در مصحف نگاشته نشد
۱۹۰	۱۲. سوره‌ای که همسنگ برائت یا شیهه مستحبات است
۱۹۱	۱۳. سوره احزاب از سوره بقره طولانی‌تر بوده است
۱۹۳	۱۴. در دعای قنوت
۱۹۴	۱۵. از سوره برائت فقط یک چهارم آن باقی مانده است
۱۹۵	۱۶. جایجایی یک کلمه
۱۹۵	۱۷. افزایش یک کلمه
۱۹۶	۱۸. افزایش یک حرف
۱۹۷	۱۹. جایجایی حرف
۱۹۷	۲۰. تغییر در ساختار کلمه
۱۹۸	۲۱. خطا در اجتهاد
۱۹۹	۲۲. اجتهاد در مقابل نص
۲۰۰	۲۳. گمان نادرست
۲۰۱	۲۴. چهار حرف در قرآن به خطا آمده است
۲۰۹	۲۵. سوره ساختگی ولایت
۲۱۴	۲۶. فاجعه کتاب الفرقان
۲۱۷	فصل هشتم: تحریف نزد فرقه اخباریان
۲۲۸	پندارهای نویسنده فصل الخطاب
۲۳۹	مهمترین دلیل قول به تحریف
۲۴۰	کتابهای غیر معتبر مورد استناد محدث نوری
۲۵۴	هفت دسته روایات مورد استناد محدث نوری
۲۹۹	فهرست آیات
۳۰۷	فهرست منابع

مقدمه مؤلف

دفاع از کرامت قرآن از اساسی‌ترین لطایف دینی هر فرد مسلمان به ویژه داعیان اسلام و سنگرداران حریم مقدس شریعت است. از دیر زمان دشمنان اسلام، قرآن را هدف گرفته و به هر وسیله ممکن در هتک حریم مقدس آن کوشیده‌اند. از جمله وسایلی که در این زمینه به کار می‌رود، القای شبهه تفسیر این کتاب عزیز است، که دشمنان زیرک از بیرون و دوستان نابخرد از درون، دست هم نهاده دوشادوش هم در این راستا قدم بر می‌دارند. غافل از آنکه قرآن عظیم در کنف حمایت قدرت مطلقه الهی قرار دارد و از هرگزندی در امان است. «إِنَّمَا نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^۱

از روز نخست، شبهه تحریف از طرف دشمنان دانا و دوستان نادان مطرح بوده و همواره دستاویز فریب خوردگان قرار گرفته و آثاری از گذشتگان در کتاب‌های حدیثی که منشأ این شبهه است ثبت و ضبط گردیده است، که از نظر محققان فاقد اعتبار است. گرچه برخی از روی جهل آنرا دستاویز قرار داده و در قرون اخیر

نوشته‌هایی در این زمینه تلفیق کرده‌اند؛ و امروزه آن نوشته‌های فاقد ارزش، وسیله کوبیدن اسلام و شکستن و کاستن از کرامت قرآن به دست دشمنان ضربه خورده از اسلام گردیده است.

در مقابل، عده‌ای از نویسندگان متعهد، بر خود واجب و لازم دانسته که در مقام دفاع برآیند و از حریم کرامت قرآن حراست نمایند. نگارنده خواسته است در این مبارزه مقدس سهمی داشته باشد، لذا با کوشش و جدیت فراوان، کتابی به نام *صيانة القرآن من التحريف* نگاشته، و در شیوه دفاع و حتی نام آن از استاد گرانقدر خود *موسمیت الله العظمی خویی - طاب ثراه - پیروی و از نور هدایت او اقتباس کرده است.*

این کتاب تا حدودی در قبول فضلا و دانش پژوهان قرار گرفت و جای خود را در حوزه‌های علمی باز نمود. جمله مورد توجه برخی فضلاء صاحب قلم قرار گرفت و آنان در صدد ترجمه آن به فارسی برآمدند که یکی از شایسته‌ترین آنان دانش‌پژوه توانا *حجة الاسلام اعلی حاکم - شبح علی نصیری* است که از ستاره‌های درخشان حوزه علمیه مشهد مقدس *موسمیت الله العظمی خویی* است. تلاش مداوم ایشان در این راه قابل تقدیر است. ایشان ترجمه‌ای شیوا و رسا از حوزه‌های علمی عرضه داشت که جای ستایش دارد.

امیدوارم این طلیعه دفاع مقدس وی از دین و قرآن، سرآغاز رشته‌ای از مبادرت‌های پی‌درپی ایشان قرارگیرد، و در آینده نزدیک، معین و جایگاه علمی و جهادی خود را فروزانتر سازد. *وفقه الله تعالی لمرضاته. انه تعالی خیر موفق و معین. آمین رب العالمین.*

مشهد مقدس - محمد هادی معرفت

۱ / رجب الأصَبّ / ۱۴۱۸.

۱۱ / ۸ / ۱۳۷۶.

مقدمه مترجم

مفهوم تحریف و انواع آن

تحریف که در لغت به معنای کژ کردن و تبدیل و تغییر دادن کلام از وضع و طرز و حالت اصلی^۱ آمده است کنشی ارادی و آگاهانه است که از طرف باطل کیشان برای مقابله با حق‌مداران به دوگونه انجام می‌پذیرد:

۱. تحریف در ساختار گفتار (تحریف لفظی)؛ که خود بر سه نوع است:

الف) تحریف به کاستی؛ به این معنا که بخشی از کلام که معنای معلوم صاحب گفتار به آن بسته است حذف گردد. حذف بشارت‌های پیامبران پیشین نسبت به ظهور پیامبر اسلام ﷺ که در تورات و انجیل انجام یافته، از این قبیل است.

ب) تحریف به افزونی؛ به این معنا که واژه یا ترکیبی از واژگان برگفتار افزوده شود به گونه‌ای که گفتار از بستر بایسته خود منحرف گردد. ادعای افزوده شدن مطالبی

ناروا از قبیل نسبت‌های گناهان کبیره به پیامبران، در کتب عهدین از جمله نمونه‌های این نوع تحریف است.

ج) تغییر دادن ساختار واژگان به گونه‌ای که واژه معنایی غیر از آنچه صاحب گفتار قصد کرده است، به دست دهد. تغییر واژه پیرکلوطوس به پیراکلی طوس^۱ از این قبیل می‌باشد.

۲. تحریف در محتوای گفتار (تحریف معنوی)؛ مقصود این است که محرّف بی‌آنکه در ساختار گفتار دخل و تصرفی نماید، معنای آنرا به سویی که مطلوب خود اوست متغیّر سازد و از معنایی که صاحب گفتار دنبال کرده است، منحرف سازد. تحریفی که در سوره بقره، سخن مشهور پیامبر اکرم ﷺ خطاب به عمار یاسر «تقتلک الفئه الباغیة» انجام داده لشکر امیر مؤمنان (علیه السلام) را مصداق فئه باغیه معرفی کرد، از قبیل تحریف معنوی است.

دانستنی است که می‌توان جعل و وضع را از قبیل تحریف لفظی و تفسیر به رأی را از نوع تحریف معنوی قلمداد کرد.

تحریف به معنای گفته شده، شیوه متداولی در شناخته شده‌ای است که همواره مورد استفاده جبهه باطل علیه جبهه حق بوده است. راز اینرو پیشینه‌ای دراز دارد. به استناد آیات قرآن کریم، یهود تنها امتی است که از طواری تاریخ پیدایش خود بیشترین لغزش را در زمینه تحریف کلام الهی مرتکب شده است. کژاندازی یهود در زمینه تحریف آیین الهی و تحریف گفتار حق در مقابله با مسلمانان، در قرآن نشان داده شده است.

۱. «پیرکلوطوس» به معنای ستوده است که با واژه احمد و محمد برابر می‌باشد، در حالی که «پیراکلی طوس» به معنای تسلی دهنده است؛ از آنجا که واژه نخست در متن اصلی انجیل، بشارت دهنده ظهور پیامبر اسلام ﷺ است، تحریف‌گران مسیحی آنرا به واژه دوم تغییر داده‌اند. برای توضیح بیشتر ر.ک: فصل تحریف در کتب عهدین در همین کتاب.

تحریف در متون وحی اسلامی

تحریف در کتاب و سنت به عنوان متون وحی آیین اسلام، به دو گونه لفظی و معنوی مقصود است.

آنچه در سنت پیامبر ﷺ اتفاق افتاد، بیشتر مربوط به تحریف لفظی بوده است؛ رسول اکرم ﷺ خود در حجة الوداع ضمن هشدار نسبت به تحریف لفظی، پیش‌بینی نمود. آنجا که فرمود: «قد كثرت على الكذابة و ستكثروا، فمن كذب علي متعمداً فليتبوأ مقعده من النار»^۱ پیش از این بر من فراوان دروغ بسته‌اند و پس از این نیز فراوان دروغ خواهند بست، هر کس که از روی عمد بر من دروغ بدهد، جایگاه خود را در آتش فراهم سازد».

به گواهی تاریخ کار عمل و وضع حدیث پیامبر ﷺ به حدی رسید که به عنوان نمونه، هنگامی که ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری تصمیم به جمع‌آوری حدیث گرفت، خود را با انبوهی از روایات مجعول مواجه دید. خود او می‌گوید که روایات صحیح خود را که بیش از هفت هزار روایت است از میان ششصد هزار روایت برگزید. با وجود این، برخی از دانشوران اهل سنت بر ضعیف و سست بودن شماری از روایات صحیح بخاری گواهی داده‌اند.

پیامبر اکرم ﷺ برای مقابله با تحریف لفظی سنت را به در پیش روی امت اسلامی نهاد:

۱. مراجعه به قرآن به عنوان معیار بازشناختن احادیث سراسر انجمن.

۲. مراجعه به اهل بیت (علیهم‌السلام) به عنوان حاملان اصلی سنت و قرآن.

اما آنچه درباره قرآن به عنوان نخستین و در عین حال مهمترین منبع دین‌شناسی اتفاق افتاده است، تحریف معنوی می‌باشد که در روایات از آن به «تفسیر به رأی» یاد شده است. روایاتی که از نظر برخی محدثان در حد تواتر است و رایج‌ترین مضمون آن چنین است: «من فسر القرآن برأيه فليتبوأ مقعده من النار»^۲ هر کس قرآن

۲. البرهان في تفسير القرآن، ج ۱، ص ۱۶.

۱. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۸۰.

را به رأی خود تفسیر نماید جایگاه خود را در آتش فراهم سازد». تفسیر به رأی به این معناست که شخص یا اشخاصی به قصد دستیابی به اهدافی شوم محتوای متن وحی را به سوی آن اهداف متمایل سازند، این معنا همان است که در تحریف معنوی مطمح نظر است.

پیدایش فرق و مذاهب مختلف در میان صفوف مسلمانان که همگی نظرگاه خود را به نحوی مستند به قرآن می‌دانند حکایت از تحریف معنوی دارد. جالب این است که در روایات رسیده از پیامبر ﷺ درباره قرآن، هرگز به تحریف از نوع اول یعنی تحریف لفظی - در قالب‌های جعل و وضع - اشاره نشده است.

در روایتی که از امام باقر (ع) درباره تحریف قرآن رسیده است، بر تحریف معنوی آن تصریح شده است. آنجا که می‌فرماید: «وكان من نبيهم الكتاب أن أقاموا حروفه و حروفها حدوده...» این بدان گونه قرآن را به دور افکندند که حروف (الفاظ) آنرا پاس داشتند اما حدود آنرا تحریف نمودند.

مسلمانان درباره وقوع تحریف معنوی در قرآن اختلافی ندارند. آنچه در میان ایشان اختلاف برانگیز شده، تحریف لفظی است. با این حال، همگان می‌دانند که تحریف لفظی - از نوع تحریف به افزودن در قرآن راه نیافته است؛ زیرا چنین ادعایی مستلزم آمدن گفتاری همسان با قرآن و فرو شدن هم‌اورد طلبی و در نتیجه بطلان اعجاز قرآن است، در این صورت بنیاد اسلام بر حراهد ریخت؛ بنابراین محل نزاع، تحریف لفظی از نوع کاستن در قرآن است.

ابتدا باید دانست که ادعای وقوع این نوع از تحریف در قرآن، از میان هر دو فرقه عظیم اسلامی - سنی و شیعه - مدافع یا مدافعانی دارد.

زیرا اگر ادعای تحریف به معنای یادکرد روایاتی دال بر تحریف، در جوامع روایی باشد، نیک می‌دانیم که این دسته از روایات، در کتب روایی اهل سنت به مراتب بیشتر از کتب روایی شیعه منعکس شده است؛ و اگر به معنای ارائه نظرگاهی

توسط اندیشمندی باشد، باز می‌دانیم که اگر در شیعه محدث نوری دست به تألیف کتاب *فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب* زده است، در میان اهل سنت نیز ابن الخطیب محمد بن محمد عبداللطیف از دانشمندان معروف مصر با نگارش کتاب *الفرقان* بر این نظرگاه پای فشرده است.

از اینرو نسبت دادن ادعای تحریف به شیعه، نسبتی است ظالمانه که تنها به منظور ایجاد شکاف بین پیروان مذاهب اسلامی از سوی دشمنان دین دنبال می‌گردد.

عوامل پیدایش دیدگاه تحریف

به نظر می‌رسد سه عامل بنیادی در گزینش نظریه تحریف از سوی برخی نویسندگان نقش آفرین بوده است که عبارتند از: ۱- وجود روایات تحریف؛ ۲- ابهام در تاریخ گردآوری قرآن؛ ۳- کم‌نگی طرح مسأله امامت در قرآن. در اینجا به بررسی گذرای این عوامل می‌پردازیم:

۱. **وجود روایات تحریف؛** باید اذعان کنیم که شمار روایاتی که از آنها وقوع کاستی در قرآن استفاده می‌شود، در جوامع روایی فریقین قابل توجه است، اما با این حال، نظیر بسیاری دیگر از مباحث عرصه دین‌شناسی، وجود روایات نباید معیار گرایش به یک نظرگاه باشد؛ زیرا هر باریک‌اندیشی پس از بررسی لغوی و محتوایی این روایات، به زودی به این نتیجه رهنمون می‌گردد که از منظر ضعف و سستی سند، تعارض شدید با یکدیگر و عدم دلالت بسیاری از آنها بر مدعا، با آیات روشن قرآن مبنی بر مصونیت آن از هرگونه دخل و تصرف و کاستی ناسازگار است و به حکم اصل «عرضه روایات به قرآن و مردود بودن آنها در صورت مخالفت با قرآن»، باید به دور انداخته شود؛ به همین جهت است که جز مدعیانی اندک و انگشت‌شمار، قاطبه مسلمانان و دانشوران نامی هرگز فریفته این دست از روایات نشده‌اند.

۲. ابهام در تاریخ گردآوری قرآن؛ به دلیل وجود روایات متعارض و گفتارهای گوناگون که از صحابه و تابعان در چگونگی ضبط و نگارش قرآن بر جای مانده، دو نکته اساسی در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است:

۱. با توجه به محدودیت شمار باسوادان در عصر نزول قرآن و نیز سادگی و محدودیت ابزار نگارش، آیا همه قرآن - هر چند در قالب ابزار پراکنده - در عصر پیامبر ﷺ نگاشته شده یا آنکه تنها به حفظ قرآن در سینه‌ها اکتفا شده است؟

۲. آیا قرآن به شکل امروزی (اصطلاحاً بین الدفین و با ترتیب کنونی)، در عصر پیامبر ﷺ گردآوری شده یا آنکه پس از رحلت ایشان و طبق برخی روایات، طی چند مرحله یا کوشش و نظارت صحابه چنین سرانجامی یافته است؟

در پاسخ به این دو سؤال مهم تلاشهای قابل تقدیری از سوی صاحب‌نظران علوم قرآنی تاکنون انجام یافته و نظرگاه‌های مختلفی ارائه شده است؛ ولی به نظر می‌رسد که رهیافت به پاسخ قطعی به کندوکاوی همه جانبه به ویژه در تاریخ صدر اسلام نیاز دارد. پیداست که وجه چنین ابهاماتی در تاریخ نگارش و گردآوری قرآن برای برخی ساده‌دلان زمینه را برای گرایش به شبهه تحریف فراهم می‌سازد؛ در حالی که با وجود چنین ابهامی، این سه نکته از مسلمات تاریخ است:

۱. پیامبر اکرم ﷺ در حفظ و ضبط قرآن و تدوین و ترویج و تثبیت پیوسته اصحاب به فراگیری و بازخوانی متن آن، اهتمام ویژه‌ای داشته است، چنانکه روایات رسیده درباره حضرت امیر (علیه السلام)، عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عباس، ابوبکر بن کعب و... گواه این مدعاست.

۲. نگارش آیات قرآن به محض فرود آمدن توسط کاتبان وحی، افزون بر حفظ آن در سینه‌ها، نیز از مسلمات تاریخ است. وجود شمار قابل توجهی از کاتبان وحی و نگارش قرآن بر روی کاغذ، پوست حیوانات، سنگ صاف، چوب و... حکایت از این امر دارد. محدودیت و سادگی ابزار نگارش، نمی‌تواند مانع قابل قبولی برای نگارش باشد، باری ممکن است به علت پراکندگی متون نگارش شده، جمع‌آوری

آن در یکجا دشوار بوده باشد. چنانکه وجود مصاحف متعدد از بزرگان صحابه که تمام آیات قرآن - مطابق با مصحف موجود و بدون هیچ کم و کاست - در آن انعکاس یافته، فرد را به این نکته رهنمون می‌گردد.

۳. صحابه در حفظ و نگارش قرآن که از عشق و شیفتگی غیر قابل وصف ایشان نسبت به آیات دلکش و روح‌افزای قرآن حکایت دارد، اهتمام قابل تحسینی داشته‌اند. به گونه‌ای که به گواهی تاریخ صدها نفر در زمان حیات پیامبر اکرم ﷺ و همزمان با رحلت ایشان قرآن را از بر داشتند. شهادت شماری از ایشان در جنگ یمامه گواه این امر است.

به نظر می‌رسد با وجود این نکات روشن و مسلم درباره تاریخ نگارش و ضبط قرآن، شبهه‌ای برای رهیافت کاستن در آن باقی نمی‌ماند.

۳. کمرنگی طرح مسأله امامت در قرآن؛ برخی با توجه به این نکته که امامت رکن بنیادین اسلام است عقیده داشته‌اند که این مسأله می‌بایست با صراحت و پیدایی بیشتری در قرآن منعکس می‌شد. به عنوان مثال، می‌بایست نام حضرت امیرالمؤمنین یا سایر ائمه علیهم‌السلام به صراحت بازگو می‌شد تا شبهه‌ای برای کسی باقی نماند. اینان چون در مراجعه به قرآن انتظارشان برآورده نشد و احساس کرده‌اند مسأله امامت با صبغه کمی در قرآن منعکس شده است، ناخواسته به نوع کاستی در قرآن گرایش پیدا نموده‌اند. در حالی که به عکس پندار ایشان، قرآن در طرح مسأله امامت با تبیین کبری و صغرای آن، چیزی را فروگذار نکرده است. آیاتی نظیر «إِنَّ اللَّهَ أَضْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ»^۱ درباره طالوت و «أَجْعَلْنِي عَلَى خَازِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ»^۲ درباره حضرت یوسف علیهِ السلام و «إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَزْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ»^۳ درباره حضرت موسی علیهِ السلام و آیه «أَقْمِنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا

يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ قَوْمًا لَّكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ»^۱ با تأکید بر ضرورت برخورداری زمامدار و پیشوا از لیاقت‌ها و شایستگی‌های برتر که در سه محور: علم، تعهد و توانمندی، خلاصه می‌شود، ملاک‌های گزینش رهبر را - به صورت کبرای قیاس - بیان کرده است.

چنانکه با آیاتی نظیر «إِنَّمَا وَدَّعَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»^۲ و «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتِي»^۳ که به گواهی تاریخ و صدها دانشور منصف مسلمان درباره ابلاغ امامت حضرت امیر(علیه السلام) است، با تأکید بر صغرای قیاس، بر شایستگی منحصر به فرد حضرت امیر(علیه السلام) رای اجراز مقام امامت تأکید کرده است. با این حال باید دانست که قرآن با توجه به اصل تدریس و ارائه برهان تا حدّ بازیافت بیماردلان از پاک‌دلان، از صراحت بیشتر اجتناب می‌نماید؛ این امر غیر از ده‌ها آیه‌ای است که به اذعان همه دانشوران مسلمان در شأن و تدجید حضرت امیر(علیه السلام) فروذ آمده است.

وهايت و نسبت تحریف قرآن به شیعه

با توجه به صراحت و آشکاری دیدگاه اندیشمندان شیعه درباره پیراستگی قرآن از هرگونه تحریف، دانشوران منصف اهل سنت با اذعان به مبایعت دامن دامن شیعه از نسبت تحریف، هم‌صدا با شیعه بر پیراستگی قرآن تأکید کرده‌اند. ایشان به خوبی دریافته‌اند که جمع‌آوری احادیث در کتب روایی یا نگارش کتاب از یک نفر، همانگونه که برای اهل سنت باعث نسبت تحریف نمی‌گردد، درباره شیعه نیز مجوز چنین نسبتی نمی‌گردد.

آنچه که در دوران ما به تهمت‌های ناروا علیه شیعه دامن زده است، پیدایش

فرقه‌ای است به نام «وهابیت» با پیشینه‌ای کمتر از یک سده که با طرح سلسله عقایدی ویژه، از جمله حرمت زیارت قبور، ممنوعیت شفاعت خواهی و... به مخالفت با دیدگاه تمام مسلمانان برخاسته‌اند، نوک پیکان حمله این فرقه گمراه که بیشتر از طرف استکبار جهانی حمایت می‌شود به سوی عقاید حقه شیعه است. اینان برای دستیابی به هدف شوم خود به رغم آنکه از آراء صدها اندیشمند شیعه از عصر مرحوم مفید تا دوره چهره‌های علمی معاصر همچون امام خمینی ره و آیت‌الله خویی ره مبنی بر نفی صریح تحریف قرآن آگاهند با انتشار کتاب فصل الخطاب نگاشته محدث نوری و انتساب آن به تمام شیعه، در صدد مشوه ساختن چهره این مذهب در نگاه مسلمانان جهان می‌باشند.

تلاش دانشوران شیعه در دفع انپیراستگی قرآن از تحریف

دانشوران شیعه به هدف حفظ حرمت از کبان قرآن و نیز مقابله با احتمال نسبت تحریف به شیعه، از روز نخست با شیوه‌های گوناگون با ابراز نظرگاه‌های آشکار خود، از عقیده «پیراستگی قرآن از تحریف» دفاع کرده‌اند.

برخی در لابه‌لای کتاب‌های خود در پاسخ به سوالات، یا به قصد یادکرد عقاید شیعه، یا در مقدمه تفاسیر، به تبیین دیدگاه شیعه در این زمینه پرداخته‌اند و پاره‌ای نیز با اختصاص نگاشته‌های مستقل در این راه گام برداشته‌اند. در اینجا مناسب است برخی از نگاشته‌های دانشوران شیعه را به صورت گذرا یاد کنیم.

نگاهی گذرا به برخی از نگاشته‌های دانشوران شیعه در رد شبهه تحریف

۱. التحقیق فی نفی الحریف عن القرآن الشریف، نگاشته سیدعلی میلانی، در این کتاب پس از گزارش دیدگاه‌های دانشوران شیعه در زمینه نفی تحریف، به دلایل مدعیان آن پرداخته و نسبت‌های ناروا به دانشمندان شیعه را به نقد کشیده و آنگاه به نقد و بررسی روایات تحریف پرداخته است.

۲. البرهان فی عدم تحریف القرآن، نگاشته میرزا مهدی بروجرودی؛ در این کتاب نیز افزون بر مناقشه با ادله قائلان به تحریف، با یاد کرد نظرگاه‌های اندیشمندان شیعه، بر پیراستگی دامان این مذهب از نسبت تحریف، تأکید شده است. استاد معرفت (حفظه الله) در موارد مختلفی از کتاب خود از این کتاب نام برده است. برای نمونه ر.ک: صفحات ۳۸ و ۵۲ از کتاب صیانة القرآن من التحریف.

۳. فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب رب الارباب، نگاشته استاد حسن حسن‌زاده الی. همانگونه که از نام کتاب هویداست، ایشان این کتاب را در رد کتاب محدث بودن نگاشته‌اند. ایشان در این کتاب، با تأکید بر این نکته که قرآن به شکل امروزمین در عصر پیامبر اکرم ﷺ تدوین یافته است، دلایل مدعیان تحریف را به نقد کشیده‌اند. این کتاب توسط عبدالحی محمدی شاهرودی به فارسی ترجمه شده و با عنوان قرآن هرگز تحریف نشده چاپ شده است.

۴. اکذوبة التحریف بین الشیعة و السنة، نگاشته رسول جعفریان، در این کتاب پس از بیان معنای تحریف و دلایل رد نسبت به چگونگی آن بین اهل سنت و شیعه پرداخته و با یاد کرد مسأله مصاحف، مسیحی حضرت امیرالمؤمنین و فاطمه علیهما السلام مورد بررسی قرار گرفته است. این کتاب توسط محمود شریفی ترجمه شده و به عنوان افسانه تحریف قرآن چاپ شده است.

۵. افسانه تحریف قرآن، نگاشته سیداحمد مهدوی (فخر کرمانی)، مؤلف چنانکه خود در مقدمه آورده کتاب خود را با استفاده از فصل صیانة القرآن من التحریف که در کتاب البیان آیت الله خویی رحمه الله آمده و نیز جلد دوازدهم تفسیر المیزان علامه طباطبایی به رشته تحریر در آورده است. در این کتاب ضمن بررسی تاریخ تدوین قرآن با تأکید بر باقی بودن اوصاف قرآن در مصحف کنونی، دلایل مدعیان تحریف مورد نقد قرار گرفته است.

گذشته از کتاب‌های مذکور و کتاب‌های دیگر از این دست که به طور مستقل به موضوع عدم تحریف قرآن پرداخته‌اند، بسیاری از بزرگان شیعه در لابلای کتاب‌های خود به بررسی این مسأله پرداخته‌اند. به عنوان مثال شیخ محمد جواد بلاغی در مقدمه تفسیر خود بانام *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن* و آیت‌الله خوئی در مقدمه کتاب *ارزشمند البیان فی تفسیر القرآن* و علامه طباطبائی در تفسیر *گرانسنگ المیزان* و... ضمن مباحثی مبسوط، راه یافتن هرگونه تحریف و تبدیل را در قرآن رد نموده و با تکیه بر دلایل عقلی و نقلی شبهات مدعیان تحریف را پاسخ داده‌اند. خدایشان پاداش خیر دهد.

نگاهی به کتاب *صيانة القرآن من التحريف*

استاد محقق آیت‌الله معرفت که با صرف سالیان دراز به تحقیق و پژوهش در زمینه علوم معارف قرآنی پرداخته و در این کتاب *گرانسنگ التمهید فی علوم القرآن* گواه صدق ژرفا و گستره تحقیقات ایشان است، با عنایت به ضرورت نگارش یک اثر جامع در شرایط کنونی برای حراست از حریم قرآن و نیز دفاع از پیراستگی دامن شیعه از تهمت تحریف، کتاب حاضر را نگاشته‌اند. در این کتاب:

۱. دلایل رد شبهه تحریف به طور کامل مورد ارزیابی قرار گرفته است.
۲. ضمن یادکرد نظرگاه‌های شمار قابل توجهی از دانشوران تشیع بر موضع صریح ایشان بر رد شبهه تحریف تأکید شده است.
۳. با عرضه دیدگاه‌های برخی از اندیشمندان اهل سنت، مبنی بر پیراستگی دامن شیعه از شبهه تحریف بر جدایی صف امثال وهابیت از صف مسلمانان پای فشرده است.
۴. با ارائه نمونه‌هایی از روایات دال بر تحریف که در کتب روایی معتبر اهل سنت آمده و نیز معرفی کتاب *الفرقان فی تحریف القرآن* نگاشته

ابن الخطیب بر این نکته تأکید شده که یادکرد روایات در کتب روایی شیعه و نیز نگارش کتاب فصل الخطاب فی تحریف کتاب ربّ الارباب نگاشته محدث نوری، تهمت تحریف را متوجه مذهب شیعه نمی سازد.

۵. با یادکرد دلایل مدعیان تحریف، به نقد و بررسی علمی و محققانه آنان پرداخته است.

به علت ویژگی های گفته شده است که مترجم با همه ارج گذاری به سایر نگاشته ها بر این خصوص، این کتاب را در زمینه رد شبهه تحریف جامعتر می شناسد.

ترجمه حاضر

مترجم این اثر گرانسنگ افتخار دارد که سالیانی چند از خرمن دانش استاد فرزانه حضرت آیت الله معرفت (حفظه الله) خوانده چینی کرده است. در یکی از این سال ها که حضرت ایشان مبحث پیراستگی قرآن از تحریف را بر اساس کتاب خود با عنوان صیانة القرآن من التحریف افاضه می نمودند، تکرار ترجمه این کتاب بر خاطر م گذشت؛ این اندیشه زمانی تقویت شد که توسط برخی از دوستان مبلغ اطلاع یافتم که تبلیغات مسموم و گسترده و هابیت علیه شیعه در برخی از کشورهای همجوار فارسی زبان بر محور انتساب شیعه به پذیرش تحریف در قرآن استوار است. تمهید زمینه لازم برای استفاده هموطنان دانش دوست از محتوای این کتاب، دومین انگیزه اقدام به ترجمه این کتاب بود. بدین ترتیب پیش از طرح این اندیشه در محضر استاد، بخشی از کتاب را ترجمه و به ایشان ارائه کردم. ایشان با استقبال از سبک ترجمه، مترجم را به تکمیل کار تشویق شایان نمودند. افزون بر راهنمایی های مؤثر و راهگشا، تمام ترجمه را مورد مطالعه قرار داده و مطالبی بر آن افزودند.

مترجم ضمن اعتراف به بضاعت مزجاة خود، امید وار است ترجمه ای قابل

قبول از کتاب استاد ارجمند خود برای ارباب فضیلت و کمال ارائه نموده باشد. تذکر این نکته را لازم می بینم که در ترجمه آیات قرآن عموماً از ترجمه استاد فولادوند بهره جسته ام.

در پایان از استاد ارجمندم که افتخار ترجمه این کتاب را نصیب اینجانب کردند و از جناب آقای علی نوری خاتونبانی که زحمت ویراستاری آنرا متقبل شدند و نیز کلیه کسانی که زمینه انتشار این ترجمه را فراهم کردند سپاسگزاری می نمایم و امیدوارم - همانکه متن اصلی این کتاب با استواری تمام، متضمن دفاع از حریم مقدس قرآن کریم و ویراستگی دامن تشیع از تهمت تحریف قرآن است، ترجمه آن نیز در حد خود در تفهیم و تعمیم این برکات، اقدامی مؤثر و مرضی خداوند باشد. والله الحمد

مشهد مقدس - آبان ماه ۱۳۷۶

پیشگفتار

نسبت تحریف به قرآن نسبت ظالمانه‌ای است که نص صریح وحی از آن بیزار است؛ زیرا بقا و سلامت آن در همه زمان‌ها تضمین شده است. خداوند می‌فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^۱ همانا ما قرآن را فرو فرستادیم و ما نگاهبان آن خواهیم بود»^۲.

تحریف قرآن نسبتی است کورکورانه و در عین حال کهن و فرسوده که به زمان اختلاف صاحبان مصحف‌های نخستین باز می‌گردد. زمانی که رابسته تنگ‌تنگ برای نگارش متن و تهجی و قرائت قرآن در جریان بوده و هر دسته‌ای هجاء و قرائت خود را درست انگاشته و آنچه را نزد دیگران بوده باطل می‌شمرده است، این جریان ادامه داشت تا آنکه در دوره عثمان، مصحف‌ها به دست عده‌ای که شایستگی انجام این مهم را نداشتند یکدست شد و اختلافاتی در رسم الخط قرآن رخ نمود و

همانگونه که در التمهید^۱ بیان کرده‌ایم، اختلاف در نسخه‌های مصاحف در قیاس با مصحف امّ [= اصل و مرجع] که در مدینه نگهداری می‌شد پدیدار گشت. در کنار این اختلاف، برخی از صحابه و تابعان نسخه‌های مصاحف و هجاء قرائات را به باد انتقاد گرفتند. در این میان بیشترین انتقادها از آن ابن مسعود، عایشه و ابن عباس و جمعی دیگر از همدستان ایشان - از صحابه و تابعان - بود. روایت‌ها و حکایت‌هایی از آن مشاجره‌های لفظی باقی ماند که «حشویه»^۲ و لع و اشتیاق زیادی نسبت به نقل و ضبط و نگارش آنها در مهمترین منابع روایی خود از خود نشان دادند و بدین ترتیب مشکل وجود تحریف در متن قرآن را ایجاد کردند. آنچه بیشتر به این غوغا دامن می‌زد و عث شر چنین اباطیلی می‌شد، نغمه‌های کفرآمیزی بود که صاحبان اندیشه‌های خام جاهلی می‌نواختند تا بدین طرق شوکت اسلام را درهم شکنند و از کرامت و پیراستگی قرآن بکاهند. هر چند به لطف الهی هرگز آرزوی باطلشان به حقیقت نپیوست. «يُرِيدُونَ لِيُخْشِتُوا إِلَهَ آلِ أَبِي قُحَيْفَةَ هَهُمُ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ».^۳ خوارزمی^۴ می‌گوید: «نه به دفن و نبودن یک حدیث از احادیث پیامبر موفق شدند و نه به تحریف یک آیه از آیات الهی»^۵. با این حال پاره‌ای از

۱. رک: محمد هادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، جلد اول.

۲. حشو در لغت به معنای چیزهایی از پشه و پشم و غیر آن است که لحاظ بالذکر و تشک را با آن پر می‌کنند. حشویه در اسلام لقب تحقیرآمیزی است که بعضی از علمای کلام اسلام مانند علمای معتزله به اصحاب حدیث دادند؛ زیرا اصحاب حدیث غالباً قائل به تجسم و تشبیه خداوند بودند. اگر آنکه حشویه را از آن جهت به این لقب خواندند که احادیث روایت شده از رسول خدا را که اصل و اساس درستی ندارند بدون تحقیق در کلام خود وارد کنند. رک: محمد جواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۱۵۸ و ۱۵۹. (مترجم).

۳. «می‌خواهند فروغ الهی را با دهانشان خاموش سازند خدای فروغ خود را کمال بخشد هر چند کافران را ناپسند آید». صف ۶۱: ۸.

۴. ابوبکر محمد بن عباس خوارزمی، در اصل از آمل مازندران بوده است، او مدعی بود که ابو جعفر ابن جریر طبری صاحب تاریخ و تفسیر، دایی اوست و در این باره چنین سروده است: «ولادت من در آمل است و پسران جریر دایی‌های من هستند و مرد آینه دایی خود است. من از روی میراث‌بری رافضی هستم در حالی که دیگران از روی کلاه رافضی هستند». معجم البلدان، ج ۱، ص ۵۷.

۵. محمد خوارزمی، رسائل، ص ۱۱۷.

محققان در صدد برآمدند که با راه‌های فنی، مشکل این روایات را حل کنند؛ اما چون به صحت و درستی سند آنها و صراحت دلائلشان به وقوع تحریف در قرآن مستلزم شدند تلاششان ثمری نداد و سرانجام، به تراشیدن مسأله «نسخ التلاوه» ناگزیر شدند در حالی که نادرستی این نوع نسخ، بر اساس قواعد علم اصول مبرهن گشته است، پس چاره‌ای نیست؛ یا باید این روایات را با همه پیامدهایش به گردن گرفت و طبق آن فتوا داد؛ همانگونه که گروهی به گمان اینکه اسانید آن صحیح است چنین کردند، یا اینکه وقتی قابلیت تأویل را ندارند آنها را به کلی دور انداخت. به این دلیل، ابن حزم انسانی با آنکه فقیه با بصیرتی است، «رجم» را مستند به قرآن می‌داند و در این باره به روایت استناد می‌کند که آنرا از ابی بن کعب چنین نقل کرده است: «گفت: [سوره احزاب را چه آیه می‌انگارید؟ بدو گفتند: هفتاد و سه یا چهار آیه؛ گفت چگونه چنین است در حالی که این سوره با سوره بقره همسنگ، بلکه بزرگتر بوده است و در آن آیه رجم بدین مضمون موجود بوده است: «إِذَا زُنِيَ الشَّيْخُ أَوْ الشَّيْخَةُ فَارْجُمُوهُمَا الْبَتَّةَ نَكَالاً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ هرگاه پیرمرد یا پیرزنی به فساد دامن آلود او را سنگسار کنید که کیفر خداوند بر آنان است، همانا خداوند عزیز و حکیم است». ابن حزم می‌گوید: «سند این روایت چنان آفتاب روشن است و از اینرو قابل تردید نیست. - آنگاه می‌افزاید: - هرچند این آیه در جمله آیاتی است که عبارت آن نسخ شده است؛ حکم آن باقی است».^۱ در فصل‌های دیگر دوباره برهان نادرست ابن حزم سخن به میان خواهیم آورد.^۲

هم او در مسأله تعیین مقدار شیر خوردن که موجب محرمیت می‌شود چنین می‌گوید: «کسانی که مدعی‌اند به کمتر از پنج بار شیر خوردن محرمیت رضاعی

۱. المحلی، ج ۱۱، ص ۲۳۴-۲۳۵.

۲. گفتنی است که او اول کسی است که شیعه را متهم به قول تحریف کرده و به ستم و دروغ ایشان را دشنام داده در حالی که با پذیرش این رأی خود به این ناسزاگویی‌ها سزاوارتر است. ر.ک: الفصل فی الملل والنحل، ج ۴، ص ۱۸۲.

تحقق نمی‌یابد به روایتی از ام‌المؤمنین عایشه از طریق حماد و عبدالرحمان از عروه استناد جسته‌اند که گفته است: در قرآن نخست چنین نازل شد: «أن لا یحرم إلا عشر رضعات؛ محرمیت نمی‌آورد مگر ده بار شیر دادن»؛ اما پس از آن چنین نازل شد: «خمس معلومات؛ پنج بار شیر دادن معلوم [محرمیت می‌آورد]». در عبارت عبدالرحمان چنین آمده است: از جمله آیاتی که نازل شد و سپس نسخ گردید، آیه «لا یحرم من الرضاع إلا عشر رضعات» بود که به دنبال آن «خمس معلومات» نازل گشت، عایشه می‌افزاید: «تا پیامبر زنده بود این آیات قرآن تلاوت می‌شد».

ابن حزم گوید: «این دو روایت از جهت صحت و جلالت و وثاقت راویان آن در عالی‌ترین درجه قرار دارد لذا کسی را نباید که از آنها دست شوید». سپس اشکالی به این مضمون را مطرح می‌کند که چگونه ممکن است چیزی از قرآن پس از رحلت پیامبر ساقط شده باشد. این کار در پیشگاه قرآن جرم بزرگی است. آنگاه خود در مقام پاسخ بر آمده، چنین عذر می‌تراشد که آنچه از آن ساقط شده، نوشتارش در مصاحف بود اما حکم آن همچنان باقی ماند؛ دقیقاً مثل آیه رجم.^۱ پر واضح است اینگونه عذرتراشی قابل پذیرش نیست.

اینگونه روایت‌ها و برداشت‌ها موجب گردید تا برخی از پیشینیان امثال محیی‌الدین ابن عربی فریفته آن گردند و به تحریف قرآن نظر دهند.

شیخ محیی‌الدین ابن عربی (م ۶۳۸) در کتاب فتوحات مکیه به تحریف قرآن نظر داده است و در قرآنی که عثمان فراهم آورد، کاستی قائل شده و چنین گفته است: «برخی از اهل مکاشفه چنین پندارند که از مصحف عثمان بسیاری از آیات منسوخه ساقط گردیده است؛ -همچنین گفته است:- اگر پیامبر خود متصدی جمع و تألیف قرآن گردیده بود و اینگونه آیات را اسقاط می‌فرمود، سخنی نبود و آنرا به

طور کامل [و] برای همیشه می‌پذیرفتیم. -نیز چنین گفته است: - اگر برخی کوتاه‌اندیشان نبودند و [اگر به منزله] نهادن حکمت در غیر محل مناسب نبود، هرآینه آنچه را که از مصحف عثمانی ساقط گردیده است بیان می‌کردم. آری، در محتوای کنونی مصحف عثمانی تردید نیست».

شعرانی می‌گوید: «ولی در کتاب فتوحات مصریه گفته است که اجماع امت بر این مصحف است و می‌گویند چیزی از آن ساقط نگردیده است».^۱

با کمال تأسف برخی از متأخران نیز همچون نویسنده کتاب الفرقان به اینگونه روایات فریفته شدند. کتاب خود را با قصه‌هایی از همین روایات و حکایت‌های پیشین آراست و غوغای کوش خراشی را در دیار مصر آغاز کرد. ان شاء الله در همین کتاب متعرض آن خواهیم شد، اما در مقابل، فقهای امامیه بر این اوهام مشحون از خرافات خط بطلان کشیدند و بهایی - هر چند اندک - برای آنها قائل نشدند و هرگز در فقه و فتوا دادن بدان تکیه نکردند.

تصمیم ما در گذشته بر آن بود که گفتار خود را بر امون پندار کهن تحریف که در عالم اعتبار از هیچ ارزشی برخوردار نیست با کیرام و در این خصوص سخن نگوئیم و این مسأله را به عقل که به پوچی اینگونه اباطیل حکم می‌کند وانهم، خرافاتی که قداست و پاکی قرآن کریم از آن بیزار است. «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ»^۲ به راستی هر آن کجایی است بلندمرتبه که باطل از هیچ سویی - نه از پیش و نه از پس - به آن راه ندارد و آن از جانب خداوند حکیم و ستوده فرو فرستاده شده است»، اما وقتی به پاره‌ای از

۱. ر.ک: عبد الوهاب شعرانی، البواقیت والجواهر، ج ۱، ص ۱۳۹.

۲. فصل هفتم، شماره ۲۶.

۳. در بین فقهای امامیه در گذشته و حال، هرگز کسی را نمی‌یابید که به ظاهر اینگونه روایات پوچ و بی‌اساس

۴. فصلت ۴۱: ۴۱ و ۴۲.

فریفته شده باشد.

نوشتارها^۱ برخوردیم که با متوجه ساختن تهمت‌های ناروا به مهمترین طائفه مسلمین یعنی شیعه امامیه و با نسبت دادن تحریف قرآن به ایشان - با آنکه دامن شیعه از چنین نسبت‌هایی پاک و پیراسته است -^۲ برای برهم زدن وحدت مسلمین می‌کوشید، بر خود وظیفه دانستم با دو هدف به رد چنین خطای فاحشی برخیزم: اولاً برای دفاع از قداست و پیراستگی قرآن کریم؛ ثانیاً برای رسوا ساختن چنین تهمت‌های ناروایی که به یک امت بزرگ اسلامی متوجه شده است؛ امتی که همواره در پاسبانی از حریم اسلام کوشیده و در طول تاریخ با تمام وجود در مقابل دشمنان آن ایستادگی کرده است.

این هدفی است که به دنبال آنم؛ خداوند از نیات همگان آگاه و نیکو یابوری است.

۱. در این اواخر رهزین از هند (احسان الهی ظهیر) در تلاش برای تفرقه انداختن میان مسلمانان، تهمت‌هایی ناروا را که بی‌تردید در جهت منافع استعمارگران ضد دین است متوجه شیعه امامیه ساخته است، خداوند هم قبل از آنکه به عذاب آخرت معذّبش سازد، در همین دنیا در حادثه انفجار مهیبی به آتش قهر سوزاند.
۲. به‌زودی گفتار اشعری خواهد آمد که دامن شیعه امامیه (یعنی قائلان به عدل و امامت) را از تهمت قول به تحریف چه به فرونی و چه به کاستی و چه به تبدیل مبری دانسته است. مقالات الاسلامیین: ج ۱، ص ۱۲۰-۱۱۹.